



۷ درصد ذخایر طبیعی و معدنی دنیا دایران؛ بودجه اکتشاف یک دهم استاندارد جهانی

صفحه ۶

تبریک به مسئولین

«مسئولان خیال‌مان را راحت کردند»
تبریک عرض می‌کنیم خدمت مسئولان عزیزی که موفق شدند بالاخره خیال مردم را درباره وام مسکن راحت کنند. حالا دیگر همگی با آرامش می‌دانیم وام مسکن نمی‌تواند به خانه‌دارشدن کمک کند و هیچ اضطرابی برای دریافتش نداریم. می‌توانیم با خیال راحت به روند گرانی‌ها نگاه کنیم و از زندگی با نداشته‌هایمان لذت ببریم!

«لولی ملول»

سال بیستم، شماره ۵۴۷۲، صفحه ۲۰۰۰۰ تومان

رئیس کل بانک مرکزی عنوان کرد ۵۵ میلیارد دلار ارز سهم سه وزارتخانه

صفحه ۵

گفتگوی عصر اقتصاد با مدیرعامل اپلیکیشن پزشکی

شفاف نبودن رگولاتوری چالش بزرگ سلامت دیجیتال در کشور

صفحه ۸



موانع صادراتی
رفع می‌شوند

صفحه ۳



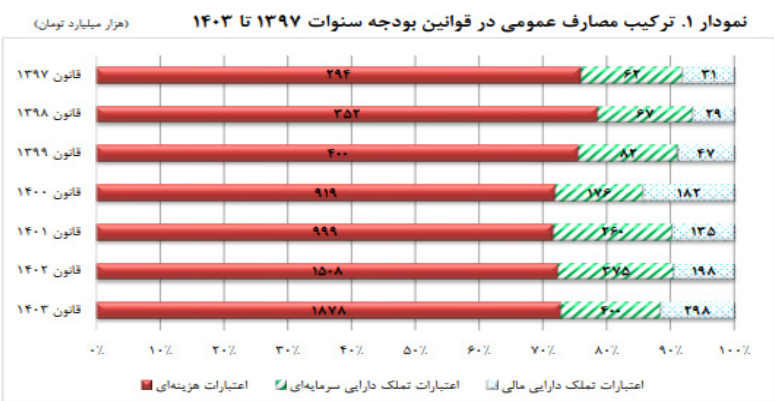
کارشناس ارشد حوزه انرژی در گفتگو با عصر اقتصاد:

پایان خط اقتصاد صدقه ای

صفحه ۷

لایحه بودجه سال ۱۴۰۴؛ تحول یا ادامه روند قبلی!

دکتر حسین یارسان- کارشناس و پژوهشگر مسائل اقتصادی و مالی



مآخذ: قوانین بودجه سنواتی و لایحه بودجه سال ۱۴۰۳
اقتصادی، بهبود فضای کسب و کار و معیشت مردم برخوردار می‌باشد؟!
برای پاسخ به این سوال، بایستی وضعیت بودجه و کیفیت بودجه‌ریزی نهاد سیاستگذار برنامه و بودجه از زاویه دید کلان و فرابخشی مورد مذاقه و ارزیابی قرار گیرد.
با نگاه به نمودار فوق (برگرفته از گزارش

امروزه بودجه و کیفیت تغییرات آن، مهم‌ترین ابزار سیاست‌گذاری دولت‌ها و جامع‌ترین بیان اولویت‌های عمومی است. این سند مالی، ترسیم‌کننده اهداف و مسیر دولت برای سال آتی می‌باشد که در نگاه متعالی باعث دستیابی به سطح مطلوب تولید، رشد اقتصادی پایدار و همچنین توزیع متناسب درآمد می‌شود. با این مقدمه و نگاه به وضعیت اقتصاد ایران در دهه ۹۰ که حاکی از انجام رشد اقتصادی قریب به نیم درصد، ثبت قله‌های توری قریب به ۴۰ درصد، رشد نقدینگی عمدتاً بیش از ۲۰ درصد، رشد متوسط سالانه سرمایه‌گذاری منفی و افت تجارت خارجی اقتصاد ایران که در نهایت منجر به کاهش درآمد سرانه و کاهش محسوس کیفیت زندگی مردم عزیز ایران زمین شد، این پرسش اساسی به ذهن هر فرد برنامه‌ریزی خرد می‌کند؛ اولین لایحه بودجه دولت وفاق ملی، بایستی دارای چه تغییرات بنیادی باشد؟ آیا با ادامه روند فعلی، لایحه بودجه پیشنهادی بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور، از قابلیت پایداری متغیرهای کلان

کاریکاتور / طرح اختصاصی عصر اقتصاد رویای خانه دار شدن در زمین



نقشه: علی شایان

به مناسبت ۱۱ مهر روز کارآگاه

دکتر غلامحسین بیابانی - دانشیار گروه کشف جرایم دانشگاه جامع علوم انتظامی امین

دارد که هر یک نه تنها روایتی هیجان انگیز برای خواندن و باز خواندن داستان و جریان زندگی است، که بیشتر از آن، بنیان‌های دانشی مهم و کاربردی را شامل می‌شود. به واقع، تجربه کارآگاهان آنجا که کارکردها و اشکال جرم در هر جامعه و دوره از جوامع و دوره‌های دیگر متفاوت است، تجارب کارآگاهی تجاربی به روز، زنده و به‌نگام به شمار می‌آیند. به این دلیل است که میتوان گردآوری و اجماع تجارب کارآگاهی را در قالب خاطراتی که هر یک خود روایتی کارآگاهی است، منبعی سرشار و پر بار از دانش کارآگاهی شمرد. گردآوری این خاطرات و روایتی کارآگاهی نه تنها ما را در برابر داستانهای جذاب و واقعی از تلاش انسانهای سخت‌کوش و هوشمند در درک و شناخت زندگی قرار میدهد، که انتقال هنده دانشی است که ریشه به تجربه‌های یگانه و ناب علمی زنده می‌رسد. از این منظر دیگر نیازی به آن نیست که کارآگاهان نسل نو خود تجربه‌های پیشینیان را در مسیر فهم معماهای جرم تجربه کنند و بهایی گاه گران برای آن پرداخت نمایند. حلقه‌های متصل روایتی کارآگاهی، خاطرات کارآگاهان راه را در برابر خویش یافت و نیازی به تکرار تجربه‌های خطرناک و سخت نداشت. هر خاطره مشعلی است که یک کارآگاه بر می‌افروزد تا ما از سایه‌ها به سمت روشنایی‌ها حرکت کنیم، به دیگر سخن باید اشاره کرد که دانش کارآگاهی در سراسر جهان از جمله ایران، مدیون انتقال تجربه‌ها از نسلی به نسل دیگر بوده است و در این راه، روایتی کارآگاهی در قالب خاطرات کارآگاهان، پلی است که نسلهای جدید و قدیم کارآگاهان ایران را چون یک شاره به هم می‌رساند. در این میدان، دانش پژوهی تعامل، کارآگاهان را در پی دارد و آنان در روایتی که به هم متصل میشوند، دریایی از دانش را پدید می‌آورند.

چشم انداز دیگر خاطرات کارآگاهی و روایتی برخاسته از آن، صنعت فرهنگی است که وابسته به این شاخه از دانش و علم است. رمانها، فیلمها و سریالهای فراوانی بر اساس تجربه کارآگاهان پدید آمده است. این صنعت اگرچه جذابیت‌های هنری و ادبی بسیاری را شکل بخشیده است، اما نگاه جامعه را آگاه تر

کوشش در درک نشانه‌هایی که یک کارآگاه توانا را به واقعیت پنهان از نظر می‌رساند، ما را با تجربه ای کم نظیر و یگانه رو به رو می‌سازد. یک کارآگاه کارآموده، از هوش و جواس خود پنجره‌ای رو به چشم انداز مکتوم و ناپیدای واقعیت به وجود می‌آورد. تا روایت‌هایی شگفت‌آور و عجیب را روایت کند. کارآگاه همه حواس خود را پویا و آبدیده نگاه میدارد و آندیشه اش به باری آنچه می‌بیند و احساس میکند، کاشگر علت پنهان رخدادها میشود. این ویژگیهای ممتاز است که جایگاه و مقام یک کارآگاه را تا مرتبه یک فیلسوف بالا می‌برد، فیلسوفی که میداند چگونه از نشانه‌ها و معلولیهایی که برابریش قرار گرفته‌اند، به علت برسند. او واقعیتها و نشانه‌ها را چون دانه‌های یک تسبیح به نخ می‌کشد و از پای کم رنگ رخدادها، به مقصد یعنی کشف واقعیت میرسد. از این رو کارآگاه پرسشگر است، پرسشگری که به پرسشهایش کلید رسیدن او به واقعیت هستند.

به واقع، کارآگاهی که ذهن بیداری برای طرح سوال از واقعیت‌های پیرامون خود ندارد، نمیتواند جامعه کارآگاهی را بر تن کند و قدم در راه کشف واقعیت بگذارد. هوش شنیداری، بصری و هنجاری یک کارآگاه در اوج خود قرار دارد. لوجی که او را چون یک کاشف بزرگ ترسیم میکند. کارآگاه می‌باید در رخدادهای زندگی که داستان زندگی مردم است، خود روایت دیگری را خلق کند، روایتی که یک داستان مبهم و سردرگم را با نورافکن خردی پرسشگر، به داستانی شگفت انگیز از کشف معماهایی که غیر قابل حل به نظر می‌رسند، تبدیل مینماید. کارآگاه از سایه‌ها به روشنی می‌رود و ما را نیز با خود میهمان آفتابی می‌کند که تیرگی را از رخساره واقعیت می‌زداید. به این ترتیب است که کارآگاه را حتی می‌توان نویسنده یک داستان شگفت انگیز و واقعی دانست، داستان رخدادهای زندگی که هر گاه انسان‌ها را با تلخی اتفاقی ناخواسته رو به رو می‌کند. به این ترتیب کارآگاه یک هنرمند و نویسنده هم به شمار می‌آید.

تجربه ناب، کمیاب و یگانه کارآگاهان، خاطراتی را دربر

کوشش در درک نشانه‌هایی که یک کارآگاه توانا را به واقعیت پنهان از نظر می‌رساند، ما را با تجربه ای کم نظیر و یگانه رو به رو می‌سازد. یک کارآگاه کارآموده، از هوش و جواس خود پنجره‌ای رو به چشم انداز مکتوم و ناپیدای واقعیت به وجود می‌آورد. تا روایت‌هایی شگفت‌آور و عجیب را روایت کند. کارآگاه همه حواس خود را پویا و آبدیده نگاه میدارد و آندیشه اش به باری آنچه می‌بیند و احساس میکند، کاشگر علت پنهان رخدادها میشود. این ویژگیهای ممتاز است که جایگاه و مقام یک کارآگاه را تا مرتبه یک فیلسوف بالا می‌برد، فیلسوفی که میداند چگونه از نشانه‌ها و معلولیهایی که برابریش قرار گرفته‌اند، به علت برسند. او واقعیتها و نشانه‌ها را چون دانه‌های یک تسبیح به نخ می‌کشد و از پای کم رنگ رخدادها، به مقصد یعنی کشف واقعیت میرسد. از این رو کارآگاه پرسشگر است، پرسشگری که به پرسشهایش کلید رسیدن او به واقعیت هستند.

به واقع، کارآگاهی که ذهن بیداری برای طرح سوال از واقعیت‌های پیرامون خود ندارد، نمیتواند جامعه کارآگاهی را بر تن کند و قدم در راه کشف واقعیت بگذارد. هوش شنیداری، بصری و هنجاری یک کارآگاه در اوج خود قرار دارد. لوجی که او را چون یک کاشف بزرگ ترسیم میکند. کارآگاه می‌باید در رخدادهای زندگی که داستان زندگی مردم است، خود روایت دیگری را خلق کند، روایتی که یک داستان مبهم و سردرگم را با نورافکن خردی پرسشگر، به داستانی شگفت انگیز از کشف معماهایی که غیر قابل حل به نظر می‌رسند، تبدیل مینماید. کارآگاه از سایه‌ها به روشنی می‌رود و ما را نیز با خود میهمان آفتابی می‌کند که تیرگی را از رخساره واقعیت می‌زداید. به این ترتیب است که کارآگاه را حتی می‌توان نویسنده یک داستان شگفت انگیز و واقعی دانست، داستان رخدادهای زندگی که هر گاه انسان‌ها را با تلخی اتفاقی ناخواسته رو به رو می‌کند. به این ترتیب کارآگاه یک هنرمند و نویسنده هم به شمار می‌آید.

تجربه ناب، کمیاب و یگانه کارآگاهان، خاطراتی را دربر

همین که خارج باشد کافی است

راضیه حسینی

خاص شده است. دیگر کمتر کسی برای کار و پول فرستادن به ایران، به خارج سفر می‌کند. بلیت‌های کشورهای خارجی یا در دست آقاهاست، یا از ما به‌تران که ددی و مامی پول دار دارند.
بعضی آقاهاها که به خارج سفر می‌کنند همین که پایشان را از ایران بیرون می‌گذارند تبدیل به دستگامی می‌شوند که دلراهی رسیده را دریافت و خرج می‌کند. البته که وقتی از پدر و مادرشان می‌پرسی آقاها «چی کار می‌کن» سری بلند کرده و با افتخار می‌گویند: «داره درس می‌خونه، بچم خیلی سختی می‌کنه که بتونه واسه مملکتش مفید باشه». حالا تنها فایده فرزند عزیزشان برای مملکت، خارج کردن از است.
خارج رفتن در دوران ما برای پول درآوردن بود، ولی حالا بیشتر برای خرج کردن پول است. در واقع خارج‌نشین هم به

«هندهای خارج‌نشین سالانه ۳ برابر درآمد نفتی ایران پول به کشورشان می‌فرستند»
هندهای خارج‌نشین مثل ایرانی‌های زاین نشین در دهه شصت، هفتادند. در هر محله و خانواده می‌شد یکی دو نفر، بلکه هم بیشتر را پیدا کرد که به زاین رفته بود و برای خانواده پول خوبی می‌فرستاد. بعضی‌ها بعد از چند سال کار در زاین، برگشته و توانسته بودند کاروکاسبی خوبی به هم بزنند. یکی مغازه و آن یکی خانه خریده بود. زاین برای ایرانی‌ها در آن روزگار حکم معدن طلا برای جویندگان طلا را داشت. ما هر چه بود گذشت و حالا دیگر از این خبرها نیست. این روزها نوع مهاجرت تغییر کرده و مختص به عدهای

«هندهای خارج‌نشین سالانه ۳ برابر درآمد نفتی ایران پول به کشورشان می‌فرستند»
هندهای خارج‌نشین مثل ایرانی‌های زاین نشین در دهه شصت، هفتادند. در هر محله و خانواده می‌شد یکی دو نفر، بلکه هم بیشتر را پیدا کرد که به زاین رفته بود و برای خانواده پول خوبی می‌فرستاد. بعضی‌ها بعد از چند سال کار در زاین، برگشته و توانسته بودند کاروکاسبی خوبی به هم بزنند. یکی مغازه و آن یکی خانه خریده بود. زاین برای ایرانی‌ها در آن روزگار حکم معدن طلا برای جویندگان طلا را داشت. ما هر چه بود گذشت و حالا دیگر از این خبرها نیست. این روزها نوع مهاجرت تغییر کرده و مختص به عدهای

